

کردستان

ارگان حزب دمکرات کردستان ایران

www.kurdistanmedia.com

شماره ۸۹۱ | پنجشنبه ۳۰ اسفند ۱۴۰۳ | ۲۰ مارس ۲۰۲۵

تأمین حقوق ملی خلق کرد در چهارچوب ایرانی دمکراتیک و فدرال

بر گفتمان کردستانی، وحدت صفوف ملی و انسجام ملی تأکید می‌نماییم



جامعه‌ی کردستان ایران به دلیل سیاسی شدن هویت کردی و تجارب گوناگون در خصوص جنبش ملی و مدنی، از توان سازماندهی خویش برخوردار است. جامعه‌ی «پیشاهنگ» که میداندار است؛ خود را مسئول مسأله‌ی ملی و هویت خویش می‌داند. در همین رابطه به عنوان حزب دمکرات کردستان ایران معتقد هستیم که شرایط جدید منطقه‌ای و ضعف رژیم جمهوری اسلامی در داخل و خارج از کشور، بستر و فرصت مناسبی است در راستای شکل گرفتن همپیمانی آزادی‌خواهان و مناطق ملی تحت ستم علیه این رژیم. در رابطه با کردستان ایران بر وحدت صفوف و همبستگی کلیه‌ی نیروها و جریانهای سیاسی و کردستانی تأکید می‌ورزیم. حزب دمکرات با ارزیابی شرایط و فرصتها و تهدیدهای موجود بر سر راه جنبش ملی کردستان، به مسئولیت تاریخی خویش کاملاً واقف است. با بررسی جوانب و عمق تحولات، ضمن سازماندهی خویش، بر گفتمان کردستانی، وحدت صفوف ملی و انسجام ملی تأکید می‌نماییم.

ادامه در صفحه ۳ <<<

نوروز در کردستان:

نشان هویت کردی و رفراندوم صیانت از خاک میهن



جایزه «مینا خانم» به خدیجه معزور اهدا شد

حزب دمکرات مبارزه می‌کند تهیه شده بود که در این مراسم نمایش داده شد. خدیجه معزور عضو کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران است. جایزه «مینا خانم» جایزه سالانه است که از سوی اتحادیه زنان دمکرات کردستان ایران به آن دسته از زنان مبارزی که برای آزادی میهن و ملت خویش مبارزه می‌کنند، اهدا می‌شود.

به مناسبت ۷۹مین سالروز تاسیس اتحادیه زنان دمکرات کردستان ایران از سوی شنه دروگر دبیر اتحادیه زنان قرائت گردید. در ادامه برنامه شعری از سوی ماموستا «بیبه‌ش» با عنوان «میخه‌کینه‌ند» (میخک بند) تقدیم شد. در خلال برنامه مستندی از زندگی و مبارزه خدیجه معزور که بیش از ۴۵ سال است در صفوف

روز دوشنبه ۲۷ اسفند، در بارگاه ۲ روز دوشنبه ۲۷ اسفند، در بارگاه ۲ کردستان به مناسبت ۷۹مین سالروز تاسیس اتحادیه زنان دمکرات کردستان ایران با حضور شماری از اعضای رهبری و زنان مبارز در حزب دمکرات برگزار گردید. در این مراسم جایزه «مینا خانم» از سوی این اتحادیه به خانم «خدیجه معزور» تقدیم شد در این مراسم پیام اجرایی اتحادیه زنان



دلخوش به نامه شیطان بزرگ!

رضا دانشجو

۸

آریز محمدی:
«ژن، ژبان، نازادی» شعاری که از جنبش زنان کورده برخاسته نشان می‌دهد...

مصاحبه: شهرام سبحانی

۵

اهمیت نمادهای ملی در عصر شبکه‌های اجتماعی و هوش مصنوعی

دکتر مجید حق

۴

پیام آقای مصطفی هجری، دبیرکل حزب دمکرات کردستان ایران به مناسبت جشن نوروز ۱۴۰۴ خورشیدی

۳

پیام نوروزی کمیته مرکزی حزب به مناسبت آغاز سال ۱۴۰۴ خورشیدی

۲

پیام نوروزی کمیته مرکزی حزب دمکرات کوردستان ایران به مناسبت آغاز سال ۱۴۰۴ خورشیدی



نوروزتان پیروز

توده‌های مردم کوردستان!

ابتدا به مناسبت فرارسیدن نوروز، این جشن ملی و کهن کوردها به تمامی اقشار و طبقات مختلف مردم کوردستان تبریک و تهنیت عرض می‌نماییم و امیدواریم در سال جدید زندگی و فعالیت، مبارزه‌ی سیاسی و ملی‌مان و همچنین وحدت و اتحاد مبارزاتیمان نیز گامهای فزونتری را به سوی آرمانهایمان برداریم. در آستانه‌ی نوروز، درود بر شما مردم کوردستان که علی‌رغم فشار و اختناق فراوان جمهوری اسلامی و تمامی بحرانهای داخلی، پرچم مبارزه‌ی هویت‌خواهانه‌ی ملی کورد را همچنان در اهتزاز نگه داشته‌اید. درود بر زندانیان سیاسی که با مقاومت و پایداری خود، زندانهای جمهوری اسلامی را به سنگر آزادی‌خواهی تبدیل کرده و درود بر خانواده‌هایشان که هزینه‌ی سنگین این مبارزه و مقاومت بر دوش آنها است. درود بر خانواده‌ی سرفراز شهدا و پیشمرگان جان برکف میهن. درود بر کلیه‌ی فعالان و مبارزان کورد در داخل و خارج از کشور که با فعالیت و مبارزه‌ی پیگیرانه‌ی خویش سیمای زنده و پویایی را به جنبش سیاسی و ملی کورد در ایران بخشیده‌اند.

هم‌میهنان گرامی!

این یک سنت جا افتاده است که مردم کوردستان دیرسالی است که فلسفه‌ی نوروز به عنوان نماد تجدید حیات و خیزش را به چراغ راه زندگی و مبارزه تبدیل ساخته و با تلاش و پیگیریشان، متحد و یکپارچه با استحکام هرچه تمامتر در سنگر

هویت‌خواهی خویش ایستادگی کرده‌اند. در روزهای اخیر و در ادامه‌ی روند جنبش ملی و هویت‌خواهانه توده‌های مردم کوردستان نیز مناسبت‌های ویژه‌ی استقبال از سال نو خورشیدی و مراسم‌های نوروزی به عرصه‌ی دیگری از تلاش و فعالیت سیاسی و مدنی تبدیل شده‌اند. در مدت یکسال گذشته و به دنبال مراسمات گسترده و آکنده از پیام و مفهوم نوروزی ۱۴۰۳ خورشیدی، مردم کوردستان در مناسبت‌ها و فرصتهای گوناگون و با ابتکار خود ضمن دفاع و حراست از ارزشهای ملی خویش، همچون همیشه در مقابل سیاهترین رژیم‌های دوران، یعنی جمهوری اسلامی ایران و سیاستهای ضدخلفی آن، از تلاش و مبارزه بازنايستاده‌اند و در این پایداری و مبارزه و مقاومت نیز هزینه‌ی بسیاری را متحمل گشته‌اند.

مردم کوردستان علی‌رغم مشقات زندگی و گذران روزانه‌ی‌شان که به دلیل سیاستهای سیاسی و اقتصادی نادرست و پراشتباه رژیم بر آنها تحمیل شده، در پیگیری سرنوشت سیاسی و حفظ کرامت انسانی خویش غافل نبوده و در هر شرایط پیش آمده موضع شایسته‌ی خویش را اتخاذ کرده‌اند. در این رابطه نقش جامعه‌ی مدنی و فعالان عرصه‌های گوناگون ادبی، زیست‌محیطی، معلمان، کارگران، مدافعان زبان و فرهنگ کوردی، روحانیون متعهد به خاک و مردم، زنان و جوانان و... چشمگیر و مؤثر بوده است جمهوری اسلامی ایران که ۴۶ سال

جنبشی که در بستر خروشان "ژن، ژیان، ژازادی" (زن، زندگی، آزادی) مرزهای کوردستان و ایران و خاورمیانه را درنوردید و در سطح بین‌المللی نیز به یک نمونه‌ی جهانی تبدیل گشت و تأثیرات مناسب خود را برجای گذارد.

مردم مبارز کوردستان!

اکنون که به استقبال حلول سال جدید و مراسمات نوروزی ۱۴۰۴ خورشیدی می‌رویم، یکبار دیگر شما توده‌های مردم در چارچوب مراسمات و تجمعات مردمی‌ای که آنرا "نوروز خاکی‌پوشان" نام نهاده‌اید، با استفاده از شعار و نماد و پوشش ویژه، مرحله‌ی دیگری از فعالیت هویت‌خواهانه خود را طی می‌کنید و بدون توجه به موانع حاکمیت، درحال پیشروی و پایداری هستید. در چنین مقطعی که مردم در کوردستان با اشکال و رفتارهای گوناگون، مفهوم و پویایی خود را به عنوان یک ملت و مسأله‌ی مشروعش به نمایش می‌گذارید، حاکمیت تحمیلی جمهوری اسلامی ایران نیز در اوج استیصال و درماندگی قرار دارد. این رژیم سیاسی سرکوبگر در داخل ایران از نازلترین مشروعیت سیاسی برخوردار بوده و از لحاظ ایدئولوژیک نیز دچار سقوط فکری شده و در سطح بین‌المللی هم در اوج ضعف و شکست به سر می‌برد. این رژیم از دیدگاه خلقهای ایران غیر از سرنگونی و کناررفتن راه دیگر در پیش رو ندارد و کشور ایران نیز بدون پایان یافتن عمر این رژیم، روی هیچگونه پیشرفتی را به خود نخواهد دید.

حزب دمکرات کوردستان ایران با اتکاء به نیرو و اراده‌ی شما توده‌های مردم کوردستان و در حمایت از مبارزه‌ی هویت‌خواهانه خلق که هم اکنون در اشکال و شیوه‌های گوناگون در حال جریان و پیشرفت است، اعتقاد دارد که با تقویت جنبش اعتراضی داخل کشور و تلاش در راستای یکپارچه ساختن نیروی میدانی مردم در داخل کشور می‌تواند سیاستهای سرکوبگرانه‌ی رژیم را به عقب‌نشینی واداشته و در نهایت به سرنگونی این رژیم منجر گردد. به همین دلیل در اینجا کلیه‌ی شخصیتها و نیروهای سیاسی داخل و خارج از کشور را فرامی‌خوانیم و یکبار دیگر بر ضرورت انسجام درونی کوردها، اتحاد خلقهای ایران و لزوم نزدیکی بیشتر تشکلهای مدنی و نیروها و جریانهای سیاسی تأکید می‌ورزیم و به منظور تحقق این مهم نیز حزب دمکرات کوردستان ایران همچون همیشه آمادگی خود را مجدداً ابراز داشته و خود را در این راستا موظف می‌داند.

پیروز باد جنبش حق‌خواهانه‌ی مردم ایران علیه رژیم جمهوری اسلامی ایران

نوروز و فرارسیدن سال نور خورشیدی پیروز و خجسته باد.

**حزب دمکرات کوردستان ایران
کمیته مرکزی
۲۹ اسفند ۱۴۰۳ (۲۰۲۵/۳/۲۰)**

پیام مصطفی هجری، دبیر کل حزب دمکرات کوردستان ایران به مناسبت جشن نوروز ۱۴۰۴ خورشیدی



خواهران و برادران ارجمند! هم‌میهنان مبارز!

به مناسبت جشن نوروز به هم‌می ملت‌های آزادی‌خواه ایران به ویژه ملت کورد، خانواده‌ی سرفراز شهدا و جامعه‌ی هشیار و آزادی‌خواه کوردستان به گرمی تبریک و تهنیت می‌گوییم و در برابر زندانیان سیاسی و خانواده‌های گرامی آنها سر تکریم فرود می‌آورم.

مردم آزادیخواه کوردستان!

پرداختن به رویدادهای یکسال گذشته از چند لحاظ قابل توجه است. شکست پروژه‌های سیاسی و نظامی رژیم جمهوری اسلامی در داخل و خارج از مرزها، یکی از ابعاد رویدادها است. سرآغاز این شکست، نمایش به اصطلاح انتخابات ریاست جمهوری به دلیل رأی "نه" اکثریت مردم بود که در ادامه شکست و تضعیف نیروهای نیابتی‌اش را به دنبال داشت. این شکست در یک گستره‌ی نظامی، اطلاعاتی و میدانی به وقوع پیوست که جمهوری اسلامی پیشتر از آن به عنوان "عمق استراتژیک" خود یاد می‌کرد. این معادله جدید که در بستر تحولات گسترده‌ی منطقه‌ای سربرآورده است. با شکستهای نظامی حماس و حزب‌الله لبنان و به ویژه پس از سقوط رژیم بشار اسد، خلاء نظامی، اطلاعاتی و به طور کلی تعمیق بحرانهای داخلی جمهوری اسلامی بیشتر نمایان گشت.

در سال ۱۴۰۳، این بحرانها با مجموعه بحرانهای انباشته شده و درهم پیچیده‌ی اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، زیست‌محیطی و انرژی و مدیریتی، عمق فزونتر یافت. بحران و فساد ساختاری نیز بخش تفکیک‌ناپذیری از فرهنگ حاکمیتی جمهوری اسلامی ایران است که از طریق یکپارچه‌سازی نیروی سرکوب، نهادها، قوانین و ایدئولوژی حاصل می‌گردد. جمهوری اسلامی در کلیت خود بر "وضع موجود" تأکید می‌ورزد. این امر نیز مؤید وضعیت دگم رژیم و درهم شکسته‌شدن کرامت انسانها است.

در همین سال شمار اعدامها در برآورد با سال گذشته ۱۷ درصد افزایش یافته است. تنها در سال ۲۰۲۴ بیش از ۹۰۰ نفر اعدام شده‌اند که ۳۱ تن از آنها زن بوده‌اند. بیش از ۱۴۰ فعال زن بازداشت شده‌اند. حکم اعدام دهها نفر در شرف اجرا است. در کوردستان نیز دو فعال سیاسی زن به نامهای وریشه مرادی و پخشان عزیز یی به اعدام محکوم گشته‌اند.

امسال در کوردستان نیز اعدام و صدور احکام اعدام، سرکوب زنان، کارگران، دانشجویان، هدف تیراندازی قراردادن کولبران، بازداشت و حبس زیست‌بانان، روزنامه‌نویسان، معلمان، کنشگران مدنی و فعالان عرصه‌ی زبان و ادبیات و دهها اتهام و نقض حقوق دیگر، جزو رویدادهای همیشگی بوده‌اند.

علیرغم شرایط سرکوب، روند معناداری که در خیابانها و اماکن عمومی قابل مشاهده است، کنار زدن حجاب اجباری از سوی زنان و دختران می‌باشد. زنان شجاع و هشیار، با وجود مجازات و قوانین ضدبشری، با این اقدام خویش، ایدئولوژی حاکمیت ارتجاعی رژیم را به زیر سؤال برده‌اند و ثابت کرده‌اند که از آزادی و حقوق پایمال شده خویش

دفاع می‌کنند. در کل جبهه‌ی مخالفان رژیم و در صدر هم‌می آنها، جنبش زنان، مرحله‌ی نوینی از رویارویی را تجربه می‌کند.

در مبارزه‌ی بیش از یکصد ساله‌ی ملت کورد در کوردستان ایران، به روشنی مشاهده می‌شود که اندیشه‌ی هویت‌خواهی کوردی و آزادی‌خواهی به یک ارزش مهم فکری و سیاسی تبدیل شده است. اکنون در کلیه‌ی شهرها و روستاها، سطح هشیاری ملی مردم بیش از گذشته ارتقاء یافته است. نتیجه‌ی بالا رفتن هشیاری ملی، در خیابانهای کوردستان و در دوران جنبش ژینا خود را بیشتر نشان داد. نشانه‌های چند وجهی بودن مبارزه علیه ستم ملی در کوردستان به خوبی نمایان شده‌اند.

کوردستانیان آزادیخواه!

گرچه رابطه‌ی میان مرکز و به حاشیه رانده‌شده‌گان، جنبه‌ی اشغالگرانه‌ی داشته و این خود مرکز قراردادن را در یک روند تاریخی نهادینه کرده اند، لیکن به طور دائم به عنوان یک موضوع طبیعی و عادی نمایانده شده است. مرکزیتی که در راستای حفظ ناسیونالیسم سرکوبگرانه‌ی ایرانی، بر زمین ریختن خون انسانها را مقدس به شمار می‌آورد. این ناسیونالیسم با فشار و اختناق، فرهنگ و زبان فارسی را بر غیر فارسیها تحمیل کرده و خواسته است که تحت لوای فرهنگ مشترک ایرانی، فرهنگ فارسی را به عنوان فرهنگ ملی تحمیل نماید.

برآمد بنیاد نهادن دولت ایرانی (به

و به راه انداختن یک جنبش همه‌جانبه و گسترده‌ی ملی در تاریخ معاصر، نزد کوردستانیان این وظیفه را به مسئولیت در مقابل خاک و هویت ملی تغییر داده است. نقطه اشتراک قیام "ژینا" و مناسبت نوروز" به نمایش گذاردن دوباره‌ی تنوعات جامعه‌ی کوردستان است. جنبش ژینا ارزشهای یک زندگی عاری از استثمار را برای کوردستانیان متجلی ساخت. اندیشه‌ی هویت‌خواهی کوردی بیش از هر زمانی با مفهوم آزادی‌خواهی و ارزشهای گفتمانی آمیخته شده است. نوروز نیز به مناسبتی تبدیل شده است که علاوه بر گره‌زدن ملت کورد به یک تاریخ کهن، یک مفهوم سیاسی، یک گفتمان مبتکرانه و آزادی‌خواهانه محصول آن است. در این مفهوم نوین، نوروز یک کارناوال مقاومت ملی است. اشاره‌ی روشنی است که منظور آن قیام و خیزش علیه محرومیت می‌باشد. توده‌های مردم کوردستان ایران از کلیه‌ی اقشار و طبقات در جنبش ژینا شرکت داشتند. از دانشجویان و کارگران گرفته تا روحانیون؛ از زنان و دختران آزادیخواه گرفته تا کسبه‌ای که یک هفته دکان و بازار را تعطیل می‌کردند، از ورزشکاران گرفته تا معلمان مدارس. بدین ترتیب مردم کوردستان ایران نشان دادند که رمز پویایی کوردستان در تکرر و همبستگی نهفته است. نشان دادند که همواره با هرگونه اندیشه‌ی فاشیستی‌ای که بخواهد حقوق و کرامت آنها را سرکوب کند، مخالف هستند. در نوروز امسال نیز نظیر هر مناسبت ضدستم و ضداشغالگری که تاکنون برگزار شده، ملت کورد در کوردستان ایران کاخ تاریکی را به آتش

مفهوم حاکمیت یک ساختار، در طول تاریخ خویش، بازتولید مناسبات فرادستی است که در آن کثرت‌ملی و تنوعات هویتی جغرافیای ایران معاصر مورد انکار قرار گرفته است. اما این معادله پس از جنبش "ژینا" و قیام ساکنان مناطق ملی، در راستای مصالح به حاشیه رانده‌شدگان تغییر کرده است و معادلات جدیدی در کوردستان و این اقلیمها به جریان افتاده‌اند. جنبش ژینا در عین حال که مانیفستی است برای آزادی، همزمان بستری است برای به هم رسیدن صدای سرکوب‌شدگان. همبستگی با خلقهای تحت ستم درون جغرافیای ایران نیز نیرو و انرژی انباشته شده در مقابل هرگونه تمامیت‌خواهی‌ای است. این تحول بی‌نظیر نیروی تعیین کننده‌ی آینده‌ی سیاسی ملتها و جوامع درون ایران است. به ویژه کوردستان بیش از گذشته به استثمار نژادی و جوانب ستم ملی پی برده و مسر آن است که کاری کند تا با پیشاهنگی زنان، یکسانی و برابری بیشتری در جامعه‌ی کوردستان مشاهده شود.

خواهران و برادران گرامی!

برای هر انسان آزادی‌خواه و هر ملت تحت ستمی که به محرومیت از حقوق خویش پی برده، پشت سرگذاردن ستمهای تحمیل شده بر او نخستین گزینه است. با درک عمیق این واقعیت که روزانه در خاک خود، تاریخ، هویت، زبان، نهادها و ارزشهای ملی‌اش تحت اضمحلال و تهدید قرار دارد، تنها راه عبارتست از مبارزه و مقاومت. پایبندی به این پرنسیپها یک وظیفه‌ی تاریخی، سیاسی و ملی است. مبارزه‌ی سخت و خونین در راه آزادی

می‌کشد. نماد خاکی‌پوشان و مدافعان خاک، با پوشش آراسته‌ی مردم کوردستان عجین خواهد شد. یکصدا سرود ملی "آی رقیب" را سرمی‌دهند و نوروز را به خمیرمایه‌ی تجدد، نیرومندی و اتحاد ملی سراسر کوردستان تبدیل می‌سازند.

جامعه‌ی کوردستان ایران به دلیل سیاسی شدن هویت کوردی و تجارب گوناگون در خصوص جنبش ملی و مدنی، از توان سازماندهی خویش برخوردار است. جامعه‌ی "پیشاهنگ" که میداندار است؛ خود را مسئول مسأله‌ی ملی و هویت خویش می‌داند. در همین رابطه به عنوان حزب دموکرات کوردستان ایران معتقد هستیم که شرایط جدید منطقه‌ای وضع رژیم جمهوری اسلامی در داخل و خارج از کشور، بستر و فرصت مناسبی است در راستای شکل گرفتن هم‌پیمانی آزادی‌خواهان و مناطق ملی تحت ستم علیه این رژیم. در رابطه با کوردستان ایران بر وحدت صفوف و همبستگی کلیه‌ی نیروها و جریانهای سیاسی و کوردستانی تأکید می‌ورزیم. حزب دموکرات با ارزیابی شرایط و فرصتها و تهدیدهای موجود برسر راه جنبش ملی کوردستان، به مسئولیت تاریخی خویش کاملاً واقف است. با بررسی جوانب و عمق تحولات، ضمن سازماندهی خویش، بر گفتمان کوردستانی، وحدت صفوف ملی و انسجام ملی تأکید می‌نماییم خجسته و پیروز باد نوروز کوردی

مصطفی هجری

دبیر کل حزب دمکرات کوردستان

ایران

۳۰ اسفند ۱۴۰۳ (۲۰۲۵/۳/۲۰)

اهمیت نمادهای ملی در عصر شبکه‌های اجتماعی و هوش مصنوعی

گسترده‌تر به محتوای کوردی را فراهم می‌آورد و موجب توسعه گفتمان فرهنگی در سطح بین‌المللی می‌شود. با این حال، همان‌طور که هوش مصنوعی می‌تواند به حفظ هویت‌های فرهنگی کمک کند، در برخی موارد نیز می‌تواند موجب تهدید و محدودیت آن‌ها شود. الگوریتم‌های رسانه‌های اجتماعی ممکن است به دلیل فیلترهای اطلاعاتی، برخی از محتوای مرتبط با فرهنگ و هویت ملی را محدود کنند. بنابراین، آگاهی از نحوه عملکرد این فناوری‌ها و استفاده هوشمندانه از آن‌ها برای حفاظت از نمادهای ملی ضروری است.

نوروز و هویت کوردی در گذر زمان

شبکه‌های اجتماعی به مردم کورد این امکان را داده‌اند که جشن‌های نوروزی خود را به صورت جهانی به نمایش بگذارند و هویت فرهنگی خود را در سطح بین‌المللی ترویج کنند. این امر به ویژه در شرایطی که رژیم‌های حاکم تلاش می‌کنند هویت کوردی را سرکوب و محو کنند، اهمیت دوچندانی پیدا می‌کند.

نوروز در طول تاریخ، شاهد فراز و نشیب‌های بسیاری بوده است. در دوره‌هایی، این جشن به صورت آشکار و با شکوه برگزار می‌شد و در دوره‌هایی دیگر، به دلیل سرکوب و ممنوعیت، به صورت پنهانی و در خفا برگزار می‌شد. با این حال، نوروز همواره در قلب مردم کورد زنده بوده و به عنوان نمادی از امید و مقاومت، نسل به نسل منتقل شده است.

نقش زنان در حفظ و ترویج نمادهای ملی

زنان کورد علاوه بر شرکت فعالانه در مبارزه رهایی بخش مردم کوردستان، در طول تاریخ نقش مهمی در حفظ و ترویج نمادهای ملی ایفا کرده‌اند. لباس‌های ملی و محلی، آوازها و داستان‌های سنتی، اغلب توسط زنان حفظ و به نسل‌های بعدی منتقل شده‌اند. زنان کورد با داستان هنرمند خود، لباس‌های رنگارنگ و زیبا می‌بافند و با صدای گرم خود، آوازهای حماسی و عاشقانه می‌خوانند. آن‌ها با قصه‌ها و افسانه‌های خود، تاریخ و فرهنگ مردم کورد را زنده نگه می‌دارند.

در جشن نوروز، زنان کورد با پوشیدن لباس‌های کوردی و شرکت در مراسم و رقص‌های کوردی، نقش پررنگی در حفظ و ترویج این جشن ایفا می‌کنند.

تأثیر مهاجرت بر هویت ملی

مهاجرت به کشورهای دیگر، فرصت‌ها و چالش‌های جدیدی را برای حفظ و ترویج هویت ملی ایجاد کرده است. شبکه‌های اجتماعی و فناوری‌های دیجیتال، نقش مهمی در ارتباط کوردها در سراسر جهان و حفظ پیوندهای فرهنگی ایفا می‌کنند. کوردها در کشورهای مختلف، با استفاده از این ابزارها، جشن‌های نوروزی خود را برگزار می‌کنند، اخبار و اطلاعات مربوط به کوردستان را به اشتراک می‌گذارند و با یکدیگر در ارتباط هستند. با این حال، مهاجرت می‌تواند منجر به دوری از فرهنگ و سنت‌های ملی شود. نسل‌های جدیدی



در دنیای امروز، شبکه‌های اجتماعی همچون توئیتر، فیس‌بوک، اینستاگرام و تیک‌تاک نقش مهمی در ترویج نمادهای ملی و هویت فرهنگی ایفا می‌کنند. هشتگ‌های مرتبط با نوروز و کوردستان در رسانه‌های اجتماعی به سرعت فراگیر شده و این امکان را فراهم می‌آورد که فرهنگ و سنت‌های کوردی در مقیاس جهانی دیده شود. از سوی دیگر، هوش مصنوعی و الگوریتم‌های تحلیل داده‌ها به شناخت بهتر تعاملات کاربران و افزایش آگاهی نسبت به موضوعات ملی کمک کرده‌اند.

نقش نمادها در تقویت همبستگی کوردها

نمادهای ملی همچون پرچم و سرود ملی در جشن نوروز، علاوه بر اینکه نمایانگر هویت فرهنگی کوردها هستند، به تقویت همبستگی میان کوردهای مختلف در سراسر جهان کمک می‌کنند. در دنیای دیجیتال، این نمادها به عنوان ابزاری برای ایجاد همبستگی و اتحاد میان کوردها در کشورهای مختلف استفاده می‌شوند و در عین حال به عنوان نمادهای مقاومت و مبارزه برای آزادی و حقوق بشر شناخته می‌شوند.

هوش مصنوعی و حفاظت از هویت ملی

یکی از چالش‌های بزرگ در دنیای مدرن، تأثیرگذاری فناوری‌های نوین بر هویت‌های ملی است. هوش مصنوعی قادر است محتوای دیجیتال را تحلیل کرده و الگوهای فرهنگی را شناسایی کند. این فناوری همچنین می‌تواند برای حفظ و ترویج زبان‌ها و سنت‌های ملی به کار گرفته شود. برای مثال، ترجمه ماشینی مبتنی بر هوش مصنوعی امکان دسترسی

هم رژیم سلطنتی و هم جمهوری اسلامی ایران با سرکوب، ممنوعیت و محدود کردن تعطیلات کوردی، تغییر وضعیت جمعیتی کوردستان، تغییر نام کوردها و نسل‌کشی فرهنگی تلاش زیادی برای انحلال سنت‌های کوردی و سلب هویت ملی مردم کورد انجام داده‌اند. رژیم ایران پس از هر جشن نوروز در سال‌های اخیر دستگیری گسترده فعالان فرهنگی و مدنی کورد را آغاز کرده و با مجازات زندان و مجازات مردم را مرعوب کرده است تا هویت ملی خود را از دست ندهند.

در کنار ممنوعیت‌های آشکار، سانسور زبان کوردی در رسانه‌ها نیز یکی دیگر از ابزارهای سرکوب هویت کوردی است. رسانه‌های دولتی در جمهوری اسلامی به طور سیستماتیک از پخش اخبار یا برنامه‌هایی که به زبان کوردی تولید شده‌اند، جلوگیری می‌کند و تنها اجازه نشر اخبار و برنامه‌هایی به زبان کوردی می‌دهد که اهداف ایدئولوژیک این رژیم را تأمین کند. این روند نه تنها به تضعیف زبان کوردی کمک می‌کند، بلکه هویت فرهنگی و سیاسی مردم کورد را نیز مورد تهدید قرار می‌دهد.

نمادهای ملی مردم کورد در نوروز و تأثیر رسانه‌های دیجیتال

پرچم کوردستان با رنگ‌های سرخ، سبز و زرد، همراه با خورشیدی درخشان در مرکز، همواره در جشن‌های نوروزی به اهتزاز درمی‌آید. این پرچم نمایانگر امید، شجاعت و آرزوی استقلال است. سرود ملی که در گردهمایی‌های نوروزی خوانده می‌شود، پژواکی از مبارزات و آرمان‌های ملت کورد است. لباس‌های ملی و محلی مردم کورد نیز، با رنگ‌های متنوع و طرح‌های تاریخی، نشانی از اصالت و استمرار فرهنگی این ملت دارند.

این سنت تاریخی فراهم کرده‌اند. از طریق شبکه‌های اجتماعی، کوردها در سراسر جهان قادرند که تصاویر، ویدیوها و پیام‌های خود را در ارتباط با نوروز و هویت ملی‌شان به اشتراک بگذارند و گفتمان فرهنگی خود را توسعه دهند.

شبکه‌های اجتماعی به عنوان ابزار تقویت هویت ملی

شبکه‌های اجتماعی با ویژگی‌های خاص خود، به کوردها این امکان را داده‌اند که به راحتی و به صورت گسترده‌تری پیام‌ها، تصاویر و ویدیوهایی مرتبط با جشن نوروز و هویت فرهنگی خود را با دیگران به اشتراک بگذارند. از توئیتر (X) و فیس‌بوک گرفته تا اینستاگرام و تیک‌تاک، رسانه‌های اجتماعی بستری را فراهم کرده‌اند که کوردها قادرند جشن نوروز خود را به صورت زنده و جهانی به نمایش بگذارند. هشتگ‌های مرتبط با نوروز، همچون #نوروز و #کوردستان، به سرعت در رسانه‌ها منتشر شده و به ابزاری برای جذب توجه جهانی به مبارزات رهایی‌بخش مردم کورد تبدیل می‌شوند.

در گذشته، جشن‌های نوروز عمدتاً در محیط‌های محلی برگزار می‌شدند، اما با ظهور رسانه‌های دیجیتال، این جشن‌ها ابعاد جهانی یافته‌اند. افراد کورد در سراسر جهان از طریق پلتفرم‌های اجتماعی می‌توانند جشن نوروز را برگزار کنند و فرهنگ خود را به جهانیان معرفی کنند. این موضوع نه تنها به تقویت هویت ملی مردم کوردستان کمک می‌کند، بلکه به طور مؤثر مبارزات آن‌ها برای حقوق سیاسی و ملی خود را در سطح بین‌المللی گسترش می‌دهد.

تلاش رژیم‌های حاکم برای محو نمادهای ملی کوردها



دکتر مجید حقی

مردم شرق کوردستان طی سالیان متمادی هر سال با عزت و شور و نشاط بیشتری جشن نوروز را برگزار کرده‌اند. جشن نوروز نه تنها در روز نوروز برگزار می‌شود، بلکه مردم کورد، روستا به روستا، شهر به شهر و منطقه به منطقه، یک ماه قبل از نوروز جشن می‌گیرند و به استقبال سال نو کهن کوردی می‌روند. اگر نوروز برای سایر ملل فقط یک جشن قدیمی سال نو است، برای ملت کورد نماد مقاومت، احیا و تجدید میثاق مبارزه جمعی برای حق تعیین سرنوشت و رهایی ملی است. از این رو جشن نوروز در شرق کوردستان هر سال به گونه‌ای متفاوت و با نامی متفاوت برگزار می‌شود و نوروز فرصتی برای نمایش اراده ملت کورد برای آزادی و مبارزه علیه اشغالگری شده است.

نمادهای ملی هر ملت، از جمله پرچم، سرود ملی و لباس‌های سنتی، تجلی‌گر هویت، تاریخ و آرمان‌های آن ملت هستند. در میان مردم کورد، این نمادها جایگاه ویژه‌ای دارند و نشان‌دهنده احساس استقلال، هویت جمعی و مقاومت تاریخی‌شان علیه اشغالگری و استعمار هستند. نوروز، به عنوان یکی از بزرگ‌ترین جشن‌های مردم کوردستان، فراتر از یک رویداد فرهنگی یا یک روز تعطیل معمولی است؛ این جشن، نمادی از ایستادگی، وحدت و اراده‌ای است که در تار و پود تاریخ مردم کوردستان تنیده شده است. اما در عصر حاضر که شبکه‌های اجتماعی و هوش مصنوعی نقش تعیین‌کننده‌ای در ارتباطات و تعاملات جهانی دارند، اهمیت این نمادها بیش از پیش برجسته شده است. این مقاله به بررسی نقش نمادهای ملی در عصر دیجیتال، تأثیر فناوری‌های نوین بر هویت‌های ملی و فرهنگی، و همچنین تهدیدهایی که دولت‌های اشغالگر برای نابودی این نمادها ایجاد کرده‌اند، می‌پردازد.

نوروز؛ جشن مقاومت و همبستگی در دنیای دیجیتال

نوروز در میان مردم کورد تنها یک مناسبت سنتی و باستانی نیست، بلکه فرصتی برای ابراز هویت ملی و مبارزه رهایی‌بخش محسوب می‌شود. این جشن به عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از فرهنگ و سنت‌های مردم کورد، هر ساله میلیون‌ها نفر را در سراسر جهان گرد هم می‌آورد تا پیوندهای مشترک خود را با یکدیگر تجدید کنند. نوروز برای مردم کوردستان تنها جشن آغاز بهار نیست، بلکه یادآور مبارزات تاریخی این ملت برای آزادی و حق تعیین سرنوشت است. امروزه، رسانه‌های اجتماعی بستر گسترده‌ای را برای بازتاب

"ژن، ژیان، نازادی" شعاری که از جنبش زنان کورد برخاسته نشان می‌دهد چگونه مفاهیم فمینیستی می‌توانند از حاشیه به متن حرکت کنند و الهام‌بخش جنبشی سراسری شوند

مصاحبه: شهرام سبحانی



آریز محمدی، جامعه‌شناس و پژوهشگر سیاسی

اشاره: فمینیسم به عنوان یک جنبش اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، به ترویج تساوی جنسیتی، حقوق زنان و مبارزه با تبعیض بر اساس جنسیت متمرکز است. در ادامه‌ی این گفتگو با سوالاتی نظیر اینکه فمینیسم چرا و چگونه شکل گرفت؟ جنبش‌های مبارزاتی زنان تا به امروز چه دستاوردهای در جهت ترویج تساوی جنسیتی به همراه داشته است؟ نقش سازمان‌های فمینیستی در جنبش‌های مبارزاتی زنان تا به حال چه بوده است؟ و اهمیت و نقش قانون در پیشبرد یا سرکوب جنبش‌های عدالت‌خواهی زنان چیست؟ و... روبه‌رو خواهیم شد که برای پاسخگویی به این سوالات مصاحبه‌ی با خانم آریز محمدی، جامعه‌شناس و پژوهشگر سیاسی خواهیم داشت.

خانم محمدی خیلی ممنون از اینکه دعوت ما را پذیرفتید، ابتدا می‌خواهم با این سوال گفتگو را شروع کنم که فمینیسم چرا و چگونه شکل گرفت؟

از نظر من فمینیسم روایتی پیچیده و چند جانبه دارد. این جنبش از دل تجربیات واقعی زنانی برخاست که محدودیت‌های اجتماعی را لمس کرده بودند. به همین دلیل نمی‌توان فمینیسم را تنها در یک تعریف خلاصه کرد زیرا در طول زمان تکامل یافته و در فرهنگ‌های مختلف به اشکال گوناگون نمود پیدا کرده است. نخستین جرقه‌های فمینیسم با پرسش‌های ساده اما بنیادین آغاز شد: چرا زنان نمی‌توانند

رای دهند؟ چرا از تحصیل محرومند؟ چرا نمی‌توانند مالک دارایی و حتی بدن خود باشند؟ به نظرم، نکته جالب درباره تاریخ فمینیسم تغییر تدریجی خواسته‌های آن است. ابتدا مبارزه برای حقوق اولیه بود، سپس نقد عمیق‌تر ساختارهای فرهنگی و اجتماعی شکل گرفت. در هر مرحله، چالش‌های جدیدی شناسایی و مطرح شد. البته باید ذکر کنم که فمینیسم همیشه با مخالفت‌هایی نیز روبرو بوده است. برخی معتقدند این جنبش گاه از اهداف اصلی خود فاصله گرفته و برخی دیگر آن را

با سنت‌های فرهنگی در تعارض می‌بینند. این تنوع دیدگاه‌ها بخشی از گفتگوی اجتماعی پیرامون فمینیسم است. به عنوان کسی که در این حوزه مطالعاتی داشته‌ام، معتقدم درک فمینیسم مستلزم شناخت زمینه‌های تاریخی، فرهنگی و اجتماعی آن است. و نمی‌توان این جنبش را از بستر تاریخی آن جدا کرد و هر تحلیلی از فمینیسم باید این پیچیدگی‌ها را در نظر بگیرد که به‌طور کلی در سه تا چهار موج تاریخی بررسی می‌شود که مسلماً نمی‌توان تأثیر عمیق آن را بر شکل‌گیری جوامع

معاصر نادیده گرفت.

آیا فمینیسم توانسته صدای زنان برای یکسانی و عدالت اجتماعی باشد؟

من شخصاً فکر می‌کنم فمینیسم در مسیر تبدیل شدن به صدای زنان برای برابری، راه پرفراز و نشیبی را طی کرده است. وقتی به تاریخ این جنبش نگاه می‌کنم دستاوردهای چشمگیری می‌بینم که زندگی من و بسیاری از زنان دیگر را متحول کرده است که بی‌شک این دستاورد از مبارزات زنانی است که پیش از من و ما

ایستادند و مبارزه کردند.

اما با این حال، فمینیسم صدایی یکپارچه نبوده است. شاخه‌های مختلف آن اولویت‌های متفاوتی را مطرح کرده است که گاهی به تنش درون جنبش منجر شده است. برخی منتقدان معتقدند که دیدگاه‌های فمینیستی خاصی در طول تاریخ، تجربیات زنان سفیدپوست را در مرکز توجه قرار داده‌اند و به مسائل مربوط به زنان رنگین‌پوست، زنان طبقه کارگر، یا

ادامه در صفحه ۷

ادامه صفحه ۴

که در کشورهای دیگر بزرگ می‌شوند، ممکن است با زبان و فرهنگ کوردی آشنایی کمتری داشته باشند. بنابراین، تلاش برای حفظ و ترویج هویت ملی در میان کوردها در کشورهای دیگر، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

نقش هنر و ادبیات در تقویت هویت ملی هنر و ادبیات کوردی، با پرداختن به موضوعات ملی و تاریخی، نقش مهمی در تقویت هویت ملی ایفا می‌کنند. فیلم‌ها، موسیقی، نقاشی و ادبیات کوردی، ابزارهایی قدرتمند برای بیان احساسات ملی و ترویج فرهنگ کوردی هستند. هنرمندان و نویسندگان کورد با خلق آثار خود، به بازتاب واقعیت‌های زندگی مردم کورد، مبارزات آن‌ها برای آزادی و عدالت، و آرمان‌های ملی آن‌ها می‌پردازند.

در جشن نوروز، هنر و ادبیات کوردی به صورت ویژه‌ای مورد توجه قرار می‌گیرد. شاعران و نویسندگان کورد، اشعار و داستان‌هایی در مورد نوروز و اهمیت آن برای مردم کورد می‌سرایند. هنرمندان کورد، نقاشی‌ها و آثار هنری دیگری با موضوع نوروز خلق می‌کنند. موسیقی و رقص‌های کوردی نیز در این جشن جایگاه ویژه‌ای دارند.

با وجود فرصت‌هایی که فناوری‌های دیجیتال برای حفظ و ترویج هویت ملی فراهم می‌کنند، چالش‌هایی نیز وجود دارد. گسترش اطلاعات نادرست، تبلیغات منفی و تلاش برای تحریف تاریخ، از جمله تهدیداتی هستند که هویت ملی را در عصر دیجیتال تهدید می‌کنند. رژیم‌های حاکم با استفاده از این ابزارها، سعی در تحریف تاریخ و فرهنگ کورد و ایجاد تفرقه در میان مردم کورد دارند.

همچنین، الگوریتم‌های رسانه‌های اجتماعی ممکن است به دلیل فیلترهای اطلاعاتی، برخی از محتواهای مرتبط با فرهنگ و هویت ملی را محدود کنند. این امر می‌تواند منجر به کاهش دسترسی به اطلاعات و محتوای فرهنگی کوردی شود. برای مقابله با تهدیدات هویت ملی در عصر دیجیتال، لازم است که آگاهی عمومی در مورد نحوه عملکرد فناوری‌های دیجیتال افزایش یابد. مردم کورد باید بتوانند اطلاعات نادرست را از اطلاعات صحیح تشخیص دهند و از ابزارهای دیجیتال به صورت هوشمندانه استفاده کنند.

همچنین، لازم است که محتوای فرهنگی و تاریخی معتبر و قابل دسترس به زبان کوردی تولید و منتشر شود. این امر می‌تواند به مقابله با اطلاعات نادرست و تحریف تاریخ کمک کند.

نقش نهادهای مدنی

هویت ملی در عصر دیجیتال

سازمانها و نهادهای مدنی می‌توانند نقش مهمی در حفظ و ترویج هویت ملی ایفا کنند. برگزاری جشنواره‌های فرهنگی، نمایشگاه‌های هنری، کارگاه‌های آموزشی و تولید محتوای آموزشی به زبان کوردی، از جمله اقداماتی هستند که می‌توانند در این زمینه انجام شوند.

نهادهای فرهنگی و آموزشی باید با استفاده از فناوری‌های دیجیتال، محتوای آموزشی و فرهنگی را به صورت گسترده در دسترس مردم کورد قرار دهند. آن‌ها باید با برگزاری دوره‌های آموزشی، به مردم کورد نحوه استفاده صحیح از ابزارهای دیجیتال را آموزش دهند.

همکاری بین‌المللی با سازمان‌های فرهنگی و آموزشی در سایر کشورها، می‌تواند به حفظ و ترویج هویت ملی کوردی کمک کند. تبادل تجربیات، برگزاری برنامه‌های مشترک و حمایت از تولید محتوای فرهنگی، از جمله زمینه‌های همکاری هستند.

سازمان‌های بین‌المللی می‌توانند با ارائه کمک‌های مالی و فنی، به نهادهای فرهنگی و آموزشی کورد در تولید محتوای فرهنگی و آموزشی کمک کنند. آن‌ها می‌توانند با برگزاری کارگاه‌های آموزشی، به هنرمندان و نویسندگان کورد در استفاده از فناوری‌های دیجیتال آموزش دهند.

تأثیر هوش مصنوعی بر زبان کوردی

هوش مصنوعی می‌تواند تأثیرات مثبت

و منفی بر زبان کوردی داشته باشد. از یک سو، می‌تواند به ترجمه ماشینی، تولید محتوای آموزشی و توسعه ابزارهای زبانی کمک کند. از سوی دیگر، ممکن است منجر به کاهش استفاده از زبان کوردی در برخی زمینه‌ها شود.

برای مثال، ترجمه ماشینی می‌تواند به دسترسی گسترده‌تر به محتوای کوردی کمک کند. تولید محتوای آموزشی مبتنی بر هوش مصنوعی می‌تواند به آموزش زبان کوردی به نسل‌های جدید کمک کند. توسعه ابزارهای زبانی مبتنی بر هوش مصنوعی می‌تواند به حفظ و ترویج زبان کوردی کمک کند.

با این حال، استفاده از هوش مصنوعی ممکن است منجر به کاهش استفاده از زبان کوردی در برخی زمینه‌ها شود. برای مثال، استفاده از ترجمه ماشینی ممکن است منجر به کاهش انگیزه برای یادگیری زبان کوردی شود. استفاده از ابزارهای زبانی مبتنی بر هوش مصنوعی ممکن است منجر به کاهش خلاقیت در استفاده از زبان کوردی شود.

برای حفاظت از زبان کوردی در عصر هوش مصنوعی، لازم است که داده‌های زبانی کوردی جمع‌آوری و در دسترس توسعه‌دهندگان هوش مصنوعی قرار گیرد. همچنین، لازم است که ابزارهای زبانی مبتنی بر هوش مصنوعی برای زبان کوردی توسعه یابد. دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی باید از جمع‌آوری داده‌های زبانی

کوردی حمایت کنند. آن‌ها باید از توسعه ابزارهای زبانی مبتنی بر هوش مصنوعی برای زبان کوردی حمایت کنند.

نوروز یکی از بارزترین نمادهای وحدت و اراده مردم کورد است که فراتر از یک جشن ساده، تجلی‌گر تاریخ، فرهنگ و آرمان‌های این ملت محسوب می‌شود. در دنیای مدرن، اهمیت این نمادها با ظهور فناوری‌های دیجیتال و هوش مصنوعی دوچندان شده است. شبکه‌های اجتماعی بستری برای ترویج هویت ملی و فرهنگی مردم کورد فراهم کرده‌اند و هوش مصنوعی نیز می‌تواند نقش مثبتی در حفاظت و گسترش این هویت ایفا کند. در عین حال، دولت‌های اشغالگر تلاش می‌کنند تا با سرکوب فرهنگی و تغییر تاریخ، هویت کوردی را از بین ببرند. با این حال، جوانان مستعد و کوشای کوردستان با استفاده از ابزارهای دیجیتال و فناوری‌های نوین، مقاومت خود را ادامه داده و هویت ملی‌شان را حفظ کرده‌اند. امروز، نوروز تنها یک جشن نیست، بلکه سنگری برای دفاع از فرهنگ، زبان و تاریخ ملت کورد است.

هوش مصنوعی و شبکه‌های اجتماعی به عنوان ابزارهای جدید می‌توانند در جهت تقویت و جهانی‌سازی این هویت ملی مورد استفاده قرار گیرند و مسیر آزادی و استقلال را برای نسل‌های آینده هموار سازند.

تحلیل ساختاری جنبش‌های اجتماعی (۲-۲)

[با استفاده از نظریه کوه یخی فروید و تئوری روان‌کاوان (یونگ و لاکان)]

شعارها با بر زبان آوردن این امر واقعی، به افراد کمک می‌کنند تا با درد و رنج خود مواجه شوند و برای تغییر وضعیت تلاش کنند. به عنوان مثال، شعار "زن، زندگی، آزادی" را در نظر بگیرید: این شعار، از دیدگاه لاکانی، صرفاً بیانگر مطالبات زنان نیست، بلکه یک واقعیت جدید اجتماعی و سیاسی را می‌سازد:

زن: به عنوان یک سوژه فعال و خودمختار، نه یک ایزه جنسی یا یک شهروند درجه دو. منشور ملل متحد، اولین سند بین المللی است که از برابری زن و مرد سخن رانده است. هیچ سند حقوقی پیش از آن، بدین شکل برابری همه انسانها را مورد تأکید قرار نداده است. در مقدمه منشور، به تساوی حقوق بین زن و مرد و تشریح مساعی، اشاره و برای تحقق این منظور به طور صریح بر تمایز از جهت نژاد، زبان و مذهب تکیه شده است. در بند ب ماده ۱۳ و بند ج ماده ۵۵ نیز این موضوع تکرار شده است.

زندگی: به عنوان یک حق اساسی برای همه و جزء حقوق طبیعی هر انسان، نه یک امتیاز که از سوی حاکمان اعطا شود. ماده سوم اعلامیه جهانی حقوق بشر، به مهمترین حق هر انسانی، یعنی "حق زندگی کردن" اشاره می‌کند، در این بند، به سادگی بیان می‌شود که هر انسانی، باید از حقوق مشخصی مانند حق زندگی و آزادی و امنیت، برخوردار شود. به عبارت ساده، هیچ انسانی نباید کشته شود، امنیت او به خطر انداخته شود و آزادی او سلب گردد.

آزادی: به عنوان یک ارزش بنیادین و طبیعی که شامل تمام جنبه‌های زندگی می‌شود، نه فقط آزادی‌های اجتماعی محدود. طبق اصول مندرج در منشور بین المللی حقوق بشر، وحدت اعضای خانواده بشری، کرامت انسانی و شناسایی حقوق ناشی از آن را اساس آزادی، عدالت و صلح در جهان می‌داند و ایجاد جهانی را که در آن، افراد بشر در بیان عقیده خود، آزاد و از ترس و فقر رها باشند، به عنوان بالاترین آرمان و آرزوی بشری اعلام کرده است. در این اعلامیه سی ماده‌ای، حدود نیمی از موارد مختلف آن به آزادی‌های بشری اختصاص دارد و برخی از بندهای دیگر نیز به نحوی به مسائل آزادی مربوط می‌شود. این شعار با استفاده از کلمات ساده و قدرتمند که از ناخودآگاه جمعی کردها برخاسته و سراسری شد توانست به هویت جمعی جامعه دسترسی پیدا کند و احساسات، ارزشها و باورهای عمیق آن‌ها را فعال کند. این شعار، به جنبش‌های اجتماعی در سراسر ایران کمک کرده است تا شناسه جدیدی برای خود تعریف کنند، قدرت حاکم را به چالش بکشند و برای ساختن یک جامعه آزاد و عادلانه تلاش کنند. به صورت کلی، از دیدگاه لاکان، شعارها در اعتراضات و جنبش‌های اجتماعی نه فقط ابزاری برای بیان مطالبات، بلکه ابزاری برای ساختن واقعیت جدید، فعال کردن ناخودآگاه جمعی، ایجاد هویت جمعی، به چالش کشیدن قدرت حاکمیت

در بیان امر واقعی (the Real) شعارها، می‌توانند با بیان "امر واقعی" یا همان چیزی که سرکوب شده است، به جنبش‌ها انرژی و انگیزه ببخشند. این "امر واقعی" می‌تواند شامل تجربیات دردناک، خاطرات سرکوب‌شده، یا امیال برآورده‌نشده باشد.



که "ناخودآگاه ما مجموعه‌ای از امیال، خاطرات، و تجربیات سرکوب‌شده نیست، بلکه یک سیستم سازمان‌یافته است که بر اساس قواعد و قوانین زبان عمل می‌کند". به عبارت دیگر، ناخودآگاه ما نیز از طریق نمادها، نشانه‌ها، و استعاره‌ها با ما سخن می‌گوید. همچنین لاکان بر خلاف رویکردهای سنتی زبان‌شناسی، معتقد است که رابطه بین دال (کلمه یا نشانه) و مدلول (مفهوم یا معنا) ثابت و قطعی نیست. بلکه دال‌ها به طور مداوم به دال‌های دیگر ارجاع می‌دهند و معنا در این زنجیره دالی شکل می‌گیرد. به نوعی دیگر، معنا همواره لغزنده، سیال و وابسته به زمینه است.

در مورد شعارها مختلف در جریان جنبش‌های مدنی و اعتراضات مردمی طی ۸ سال گذشته در سراسر ایران و کردستان (از دی‌ماه ۱۳۹۶ تا سوم بهمن ماه ۱۴۰۳ به عنوان آخرین اعتصاب کسبه و بازاریان در کوردستان به دلیل صدور حکم اعدام به دو فعال مدنی و سیاسی بانام‌های پخشان عزیز و وریشه مرادی، تا پیش از نگارش این متن) دستکم چند شعار اصلی را می‌توان برشمرد که کاربرد بیشتری از دیگر شعارهای مختلف داشته‌اند-مرگ بر دیکتاتور، اصلاح طلب اصولگرا دیگه تمومه ماجرا، ژن، ژیان، نژادی (زن زندگی آزادی). این نمونه‌ها صرفاً بیانگر ناراضی یا مطالبات نیستند، بلکه به ساختن یک واقعیت جدید کمک می‌کنند. شعارها با استفاده از زبان، روایت‌ها و نمادها (سوزاندن و انداختن روسری)، یک تصویر جایگزین از جنبش ارائه می‌دهد و به مردم کمک می‌کنند تا وضعیت موجود را به چالش بکشند و به امکان تغییر باورمند شوند.

از طرف دیگر شعارها می‌توانند با استفاده از کلمات، اصطلاحات و مفاهیم خاص، به ناخودآگاه جمعی افراد دسترسی پیدا کنند و احساسات، ارزشها و باورهای عمیق آن‌ها را فعال کنند. شعارهایی که با هویت، تاریخ و فرهنگ مردم ارتباط برقرار می‌کنند، قدرت بسیج‌کنندگی بیشتری دارند. شعارها به ایجاد یک هویت جمعی و احساس همبستگی در بین شرکت‌کنندگان در اعتراضات کمک می‌کنند. شعارها با بیان ارزشها و اهداف مشترک، یک "ما" در برابر "آن‌ها" ایجاد می‌کنند و به افراد احساس تعلق و تعهد می‌دهند.

در بیان امر واقعی (the Real) شعارها، می‌توانند با بیان "امر واقعی" یا همان چیزی که سرکوب شده است، به جنبش‌ها انرژی و انگیزه ببخشند. این "امر واقعی" می‌تواند شامل تجربیات دردناک، خاطرات سرکوب‌شده، یا امیال برآورده‌نشده باشد.

ژاک لاکان، روان‌کاو فرانسوی نیز در ادامه تحلیل روانشناسی فرد و جامعه، بر اهمیت زبان در شکل‌گیری ذهن و جامعه تأکید دارد. لاکان معتقد بود که "ناخودآگاه ساختاری مانند زبان دارد و از طریق زبان است که ما با جهان و دیگران ارتباط برقرار می‌کنیم". در تحلیل جنبش‌ها، لاکان به ما کمک می‌کند تا درک کنیم که چگونه زبان و گفتمان می‌توانند به شکل‌دهی هویت جمعی، بسیج حمایت عمومی، و مشروعیت‌زایی از قدرت حاکم کمک کنند. برای مثال، شعارها، نمادها، و روایت‌هایی که در جنبش‌ها استفاده می‌شوند، نقش مهمی در ایجاد حس همبستگی و تعهد در بین شرکت‌کنندگان دارند. طی مدت گذشته و پس از احضار و تهدید و بازداشت چندین شهروند صرفاً به دلیل پوشش یک‌دست لباس ملی کوردی با رنگ خاکی و "جامانه و هه‌وری"، نوعی جنبش مدنی با استفاده از نماد لباس کوردی خاکی رنگ شروع شده است، بدون آنکه هیچ حرکتی سیاسی یا نظامی وجود داشته باشد، لباس اصیل کوردی به یک المان ضد حاکمیتی تبدیل شده است و نه تنها در مراسمات نوروزی که اکنون برند "خاکپوش" در این عید معروف شده است، بلکه در کلیه مراسمات عروسی و حتی مجالس ترحیم نیز در مقیاس بسیار زیادی وجود دارد که این ریشه در سنت استفاده پیشمرگ در جریان مبارزاتی احزاب سیاسی کورد و احضار دستکم ۵۸ شهروند تنها به دلیل پوشش لباس کوردی در یکی از مراسمات عروسی دارد. در این مدل حرکت‌های جمعی و اعتراضی، لباس کوردی به عنوان نماد و نشانه یک جنبش مدرن اجتماعی تبدیل شده است و حاکمیت را با چالش جدی مواجه کرده است. به دلیل اینکه شعارها در اعتراضات و جنبش‌های اجتماعی نقشی بسیار مهم و تعیین‌کننده ایفا می‌کنند و برگرفته از واقعیت‌ها و در درک جامعه از اتفاقات جامعه می‌باشد با استفاده از نظریه زبانی لاکانی می‌توان آن را بیشتر تحلیل کرد. لاکان معتقد است که زبان صرفاً ابزاری برای انتقال اطلاعات نیست، بلکه خود واقعیت را می‌سازد. به عبارت دیگر، "ما از طریق زبان است که جهان را درک می‌کنیم، تجربه می‌کنیم و به آن معنا می‌بخشیم. بنابراین، زبان نه تنها بازتاب‌دهنده واقعیت، بلکه سازنده آن است".

وی با تأکید بر این نکته که ناخودآگاه، ساختاری مانند زبان دارد، نشان می‌دهد

تحلیل جامعه مدنی و جنبش‌ها در ایران روشن کنند.

کارل یونگ، شاگرد و همکار سابق فروید، مفهوم "ناخودآگاه جمعی" را مطرح کرد که به مخزن مشترکی از تجربیات، نمادها و الگوهای رفتاری اشاره دارد که در طول تاریخ بشر شکل گرفته‌اند و به ارث رسیده‌اند. یونگ بنیان‌گذار روانشناسی تحلیلی معتقد بود که این ناخودآگاه جمعی حاوی "کهن‌الگوها (Arche-types)" است که الگوهای جهانی و نمادین هستند و در اسطوره‌ها، افسانه‌ها، و رؤیاهای تمام فرهنگ‌ها یافت می‌شوند. کهن‌الگوها می‌توانند به عنوان نیروهای محرک در جنبش‌های اجتماعی عمل کنند و به آن‌ها معنا و جهت ببخشند. برای مثال، کهن‌الگوی "قهرمان" (نماد شجاعت، فداکاری و مبارزه برای هدف‌های بزرگ. فردی که به مقابله با چالش‌های بزرگ می‌رود) می‌تواند به فعالان مدنی انگیزه دهد تا در برابر ظلم و بی‌عدالتی ایستادگی کنند و کهن‌الگوی "قربانی" می‌تواند به بسیج عمومی برای حمایت از قربانیان سرکوب کمک کند. در جنبش "زن، زندگی، آزادی" نیز می‌توان ردپایی از این کهن‌الگوها را دید. زنان به عنوان "قهرمانان" اصلی جنبش که اتفاقاً از قربانیان اولیه این جنبش نیز بودند در برابر قوانین ناعادلانه ایستادگی کرده و جان خود را فدا می‌کنند. این نوع از شکل مبارزه در کردستان به دلیل سنت مبارزاتی و جنبش‌های آزادیخواهانه و دمکراتیک به نسبت دیگر جغرافیای ایران بیشتر پدیدار شده است و زنان هم اکنون در صفوف احزاب مختلف سیاسی دوشادوش مردان برای دمکراسی و حقوق ملی مبارزه می‌کنند، بی‌جهت نیست خواستگاه شعار "زن، ژیان، نژادی" نیز از این جغرافیا برآمده است.

طی چند دهه گذشته و با فعال تر شدن جامعه مدنی و بالا رفتن سطح آگاهی و شعور سیاسی ملت کرد از هر فرصت برای ابراز مطالبات سیاسی که دغدغه اصلی آنها می‌باشد استفاده کرده‌اند که در این میان می‌توان اشاره کرد به مناسبات مربوط به زمان مادری، فعالیت‌های زیست محیطی و مراسمات وسیع نوروزی در کردستان که به یک جنبش هویتی تبدیل شده است، این فعالیت‌های جمعی حاصل کهن‌الگوهایی است در ناخودآگاه جمعی ملی کرد شکل گرفته است و با تاریخ و روایت مبارزات احزاب سیاسی و ریشه در تاریخ کهن و جنبش‌های فرهنگی همچون نوروز باستانی ریشه دارد.



شاهرخ حسن زاده

بخش دوم و پایان

ارائه راهکارهای عملی برای تقویت جامعه مدنی و ایجاد تغییرات پایدار: با توجه به تحلیل لایه‌های مختلف جامعه مدنی و شناسایی عوامل پنهان و ریشه‌ای که مانع از شکل‌گیری جنبش‌های فراگیر می‌شوند، می‌توان راهکارهای عملی زیر را برای تقویت جامعه مدنی و ایجاد تغییرات پایدار ارائه داد:

- تلاش برای افزایش اعتماد بین توده‌ها و گروه‌های مختلف جامعه و فعالان مدنی.
 - تلاش برای کاهش ترس از سرکوب حکومتی از طریق حمایت از فعالین مدنی، افشای موارد نقض حقوق بشر و ترویج فرهنگ مقاومت مدنی.
 - تلاش برای افزایش امید به تغییرات سیاسی و اجتماعی، از طریق ارائه الگوهای موفقیت، ترویج ایده‌های دموکراتیک، تولید محتوا و مشارکت در ارائه اطلاعات با استفاده از ظرفیت شبکه‌های اجتماعی و ایجاد همبستگی.
 - تلاش برای افزایش آگاهی در مورد حقوق و آزادی‌ها، مسائل و مشکلات جامعه و راه‌های حل آن‌ها از طریق آموزش، اطلاع‌رسانی و ترویج فرهنگ گفتگو و تفکر همزیستی مسالمت‌آمیز.
 - تلاش برای کاهش تفرقه و اختلاف بین گروه‌های مختلف از طریق ترویج فرهنگ گفتگو و مدارا، احترام به تنوع فرهنگی، اتنیکی و حقوق ملیت‌ها، ایجاد فضایی برای تبادل نظر و تفاهم.
 - تلاش برای تقویت استقلال جامعه مدنی از دولت و گروه‌های ذی‌نفع، از طریق حمایت از منابع مالی مستقل، ترویج شفافیت و پاسخگویی و جلوگیری از نفوذ عوامل مخرب.
 - تلاش برای توسعه استراتژی‌های مؤثر و کارآمد برای مقابله با چالش‌ها و موانع از طریق تحقیق، مطالعه و تبادل تجربیات با سایر جنبش‌های منطقه‌ای و جهانی.
 - تلاش برای ایجاد شبکه‌های ارتباطی قوی و گسترده بین فعالان مدنی، سازمان‌های غیردولتی و جنبش‌های اجتماعی در سطح ملی و بین‌المللی.
- در حالی که نظریه کوه یخی فروید یک چارچوب مفید برای درک لایه‌های مختلف ذهن و جامعه ارائه می‌دهد، در همین راستا و در ادامه، نظریات و دیدگاه‌های دیگر روان‌کاوان و اندیشمندان این رشته نیز می‌توانند به غنای تحلیل ما کمک کنند. به طور خاص، نظریات کارل یونگ و ژاک لاکان می‌توانند زوایای جدیدی را در

زنان در کشورهای درحال توسعه به اندازه کافی نپرداخته‌اند. اما در همین راستا اخیراً، رویکردهای تقاطعی یا انترسکشنالیته تلاش کرده‌است این کاستی‌ها را با بررسی چگونگی تعامل جنسیت با نژاد، طبقه، ملت، گرایش جنسی و سایر عوامل برطرف کنند که خود من در این مسیر در تلاشم که به نظرم این گامی مهم به جلو است.

■ در رابطه با سوال قبلی به نظر شما موانع پیشروی این آزادی و یکسانی در برابر حقوق زنان چیست؟

من فکر می‌کنم با وجود تحولات چشمگیر از مبارزات و دستاوردهای زنان اما هنوز چندین مانع مهم، پیشرفت حقوق و برابری زنان را در دنیای امروز مختل می‌کند. اول نگرش‌های فرهنگی عمیقاً ریشه‌دار و کلیشه‌های جنسیتی همچنان موانعی قدرتمند هستند. علی‌رغم پیشرفت‌ها، تصورات سنتی درباره نقش‌های زنان همچنان انتظارات را در بسیاری از جوامع شکل می‌دهد و بر همه چیز از انتخاب‌های شغلی تا مسئولیت‌های خانوادگی تأثیر می‌گذارد. این روایت‌های فرهنگی می‌تواند در برابر تغییر مقاومت ویژه‌ای داشته باشند زیرا اغلب درونی و عادی شده‌اند. نابرابری اقتصادی چالش بزرگ دیگری است. شکاف جنسیتی دستمزد در سراسر جهان ادامه دارد، در حالی که زنان همچنان بار نامتناسبی از کار مراقبتی بدون دستمزد را به دوش می‌کشند. این محرومیت اقتصادی، استقلال زنان و دسترسی آنها به فرصت‌ها را محدود می‌کند و چرخه‌ای ایجاد می‌کند که شکستن آن دشوار است. به عنوان مثال در کشور پیشرفته‌ایی همچون سوئد که در آن مستقر هستم همچنان دستمزد زنان کارمند کمتر از مردان است در حالی که در یک چهارچوب کاری و با همان میزان ساعت کاری همسان کار می‌کنند، اما دستمزد همچنان همسان نیست. از سوی دیگر اشکال تبعیض متقاطع موانع مضاعفی ایجاد می‌کنند. زنانی که با حاشیه‌نشینی بر اساس نژاد، طبقه، ملیت، معلولیت یا گرایش جنسی که در جواب قبلی هم به آن اشاره کردم مواجه هستند، اغلب با موانع پیچیده‌تری برای برابری روبرو می‌شوند. پرداختن به حقوق زنان بدون توجه به این تقاطع‌ها، بسیاری از زنان را به حاشیه می‌راند.

مسئله بسیار موانع دیگری هم هستند که لازم است آنها را ریشه یابی کرد از جمله نمایندگی سیاسی زنان که در اکثر کشورها همچنان نامتوازن است. بر این باورم وقتی

زنان در میزهای تصمیم‌گیری حضور ندارند، احتمال اولویت‌بندی نگرانی‌های تفکر مردسالار کمتر است چون در بسیاری از مناطق، زنان هنوز از حمایت‌های قانونی اساسی برخوردار نیستند یا با قوانینی مواجه هستند که آشکارا علیه آنها تبعیض قائل می‌شوند. حتی در جایی که برابری قانونی روی کاغذ وجود دارد، اجرای آن اغلب ناکافی است. اما با وجود همه اینها نگران کننده‌ترین مساله برای من، واکنش منفی علیه پیشرفت فمینیست است! زمانی که زنان حقوق بیشتری به دست می‌آورند، گاهی شاهد مقاومت از سوی کسانی هستیم که خود را از پویایی‌های قدرت در حال تغییر تهدید شده می‌بینند که از یک ذهنیت مردسالار غالب است، بنابراین برای غلبه بر این موانع، من معتقدم به رویکردهای جامعی نیاز داریم که همزمان به موانع ساختاری، فرهنگی و اقتصادی بپردازند و با کلیشه‌های سنتی و تبعیض آمیز مقابله کنند.

■ به نظر شما سوسیالیزم و کاپیتالیسم در دهه‌های گذشته چگونه مسائل مربوط به حقوق زنان را ارزیابی کردند؟

وقتی به چگونگی ارزیابی این دو ایدئولوژی از مسئله حقوق زنان نگاهی بیندازیم، تناقض‌های عمیقی می‌بینم. من همواره دریافته‌ام که سرمایه‌داری، در عمل ساختاری است که از فرودستی زنان سود می‌برد. در دهه‌های گذشته، پاسخ نظام سرمایه‌داری به مسائل زنان بیشتر شبیه "بسته‌بندی مجدد" ستم بوده است. مثلاً "سقف شیشه‌ای" را به عنوان مشکلی فردی تعریف کرده، درحالی‌که از پرداختن به ریشه‌های ساختاری این نابرابری ظفره رفته است. تجاری‌سازی بدن زنان یکی از تاریک‌ترین وجوه سرمایه‌داری معاصر است که من آن را نشان‌دهنده عمق این استثمار می‌دانم. صنعت تبلیغات، مد، پورنوگرافی، و... بدن زنان را به ابژه‌هایی برای سودآوری تبدیل کرده‌اند. به نظر من، سرمایه‌داری در تحلیل مسائل زنان همواره یک کوررنگی عجیب داشته، درحالی‌که از کار بدون دستمزد زنان برای بازتولید نیروی کار سود می‌برد، وانمود می‌کند که این مسئله به ساختار اقتصادی ربطی ندارد! من شخصا این ریاکاری را آزاردهنده می‌یابم.

از سوی دیگر، سوسیالیزم در تئوری خود مسئله زنان را بخشی جدایی‌ناپذیر از مبارزه برای عدالت اجتماعی دیده است. "آلکساندرا کولنتای"، "کلارا زتکین" و دیگر متفکران سوسیالیست مدتها پیش تشخیص دادند که رهایی زنان بدون تغییر بنیادین در روابط اقتصادی ممکن نیست. با این حال، کاستی‌های هم در عملکرد نظام‌های سوسیالیستی هم دیده می‌شود. آنها هم اغلب مسائل زنان را تنها

به "مسئله بزرگتر" طبقه فروکاسته‌اند. این برایم نشان می‌دهد که مساله برابری باید با یک تفکر نوین که بشود ایدئولوژی‌ها را دوباره بازخوانی کرد، پیش برود.

■ جنبش‌های مبارزاتی زنان تا به امروز چه دستاوردهای در جهت ترویج تساوی جنسیتی به همراه داشته است؟

زمانی که به مسیر طولانی جنبش‌های زنان و برابری خواهان می‌نگرم، دستاوردهای عمیق و چندلایه‌ای می‌بینم که زندگی ما را به شکلی بنیادین دگرگون کرده‌اند. تحولات تاریخی از محرومیت کامل زنان از حق رأی تا رسیدن به بالاترین مناصب قدرت، شگفت‌انگیز است که در بسیاری از کشورها، حق رأی زنان کمتر از یک قرن قدمت دارد. این حق بنیادین با مبارزات خستگی‌ناپذیر زنانی به دست آمد که جس، خشونت و تمسخر را تحمل کردند. در عرصه قانونی آنهم نه در خاورمیانه بلکه در کشورهای اروپایی، می‌بینیم که حمایت‌های قانونی علیه تبعیض، خشونت خانگی، آزار جنسی، تجاوز زناشویی، حق سقط جنین و... به رسمیت شناخته شده‌اند. حوزه آموزش، تحصیلات بالا، زمینه کار و... هم از جمله از دستاوردهای جنبش زنان است. همچنین از اینکه زنان امروز می‌توانند درباره زمان، تعداد و فاصله فرزندآوری تصمیم بگیرند، احساس عمیقی دارم. بی‌شک این استقلال، بنیاد آزادی زنان در دیگر حوزه‌هاست.

اما آنچه برای من عمیق‌ترین اهمیت را دارد، انقلاب آگاهی است. مفاهیمی چون "آزار جنسی"، "سقف شیشه‌ای" و "کار بدون دستمزد" که امروز در گفتمان عمومی جای دارند، همگی زاینده تلاش‌های نظری جنبش زنان هستند. این مفاهیم به ما کمک کرده‌اند تا تجربیات شخصی خود را در بستری اجتماعی و سیاسی درک کنیم. با این همه، من می‌دانم که این دستاوردها نه کامل هستند و نه برگشت‌ناپذیر. هر دستاوردی محصول مبارزه‌ای سخت و طولانی بوده و حفظ این دستاوردها نیز مبارزه‌ای مداوم می‌طلبد.

■ نقش سازمان‌های فمینیستی در جنبش‌های مبارزاتی زنان تا به حال چه بوده است؟

وقتی به تاریخ مبارزات زنان نگاه کنیم، می‌بینیم که سازمان‌های فمینیستی نقش به‌سزایی داشته‌اند. بر این باورم که بدون این سازمان‌ها، بسیاری از دستاوردهای امروز، هرگز محقق نمی‌شد. در این سازمان‌ها فضاهایی می‌بینم که زنان توانستند آنچه را که سال‌ها در سکوت تحمل کرده بودند، به زبان آورند. حلقه‌های افزایش آگاهی در دهه ۱۹۷۰ (-Rais-consciousness ing Groups) برایم نمونه‌ای قابل تأمل است که جایی که زنان دور هم

می‌نشستند و از تجربیات شخصی‌شان سخن می‌گفتند و کم‌کم درمی‌یافتند آنچه "مشکل شخصی" می‌پنداشتند، در واقع مسئله‌ای سیاسی و ساختاری است. این لحظه آگاهی، به نظرم یکی از انقلابی‌ترین دستاوردهای فمینیسم است. همچنین مبارزه با خشونت علیه زنان یکی دیگر از نقش‌هایی مهم این سازمان‌ها است.

جنبش‌هایی مثل #MeToo فقط یک هشنگ نبودند، بلکه فریاد زنانی بودند که سال‌ها مجبور شده بودند در سکوت رنج بکشند. همین سازمان‌ها بودند که پناهگاه‌هایی برای زنان قربانی خشونت ایجاد کردند، قوانینی را تغییر دادند و باعث شدند جامعه با این مشکل به‌شکلی جدی‌تر روبرو شود. از سوی دیگر سازمان‌های فمینیستی نقش حیاتی در تولید و انتشار نظریه‌های انتقادی داشته‌اند. من تصور می‌کنم بدون مجلات فمینیستی، انتشارات و حلقه‌های مطالعاتی و ارتباطات، بسیاری از مفاهیمی که امروز درک ما از جهان را شکل می‌دهند مانند "خشونت خانگی"، "سقف شیشه‌ای"، "کار بدون دستمزد" یا "تقاطع‌گرایی" هرگز توسعه نمی‌یافتند.

■ ارزیابی شما از اهمیت و نقش قانون در پیشبرد یا سرکوب جنبش‌های عدالت‌خواهی زنان چیست؟

زمانی که از قانون حرف می‌زنیم، یعنی هم به عنوان ابزاری قدرتمند برای پیشرفت و هم به عنوان مانعی سرسخت در برابر عدالت! وقتی به پیروزی‌های حقوقی در غرب نگاه کنیم، تغییرات بسیاری می‌بینیم. حق رأی، قوانین اشتغال برابر، حمایت‌ها علیه خشونت خانگی و حقوق باروری همگی از طریق اصلاحات قانونی تثبیت شدند. این‌ها صرفاً پیروزی‌های نمادین نبودن بلکه به طور اساسی زندگی روزمره و فرصت‌های زنان را تغییر دادند. با این حال، به همان اندازه هم آگاهی که چگونه قانون از نظر تاریخی، فرودستی زنان را مدون کرده است. قوانینی که زنان را به عنوان دارایی همسرانشان می‌دانستند، حقوق اقتصادی اساسی را از آنان دریغ می‌کردند، یا آنها را از زندگی عمومی محروم می‌ساختند، تصادفی نبودند! بلکه چارچوب‌های حقوقی عمدی بودند که برای حفظ کنترل مردسالارانه طراحی شده بودند. حتی امروز، من می‌بینم که چگونه قوانین مربوط به ازدواج، طلاق، باوری، ارث و... در بسیاری از کشورها همچون ایران با مرجعیت مردسالارانه و مذهبی، همچنان به نهادینه کردن نابرابری جنسیتی ادامه می‌دهند.

■ جامعه‌ی ایران چه درکی از فمینیسم دارد؟

جواب این سوال می‌تواند چندوجهی باشد. از یک سو جامعه ایران از منظر

مانند "شهید نمی میرد، کوردستان کوردستان گورستان فاشیست‌ها، تا یک کورد بماند، کوردستان هم خواهد ماند، و با شعار "کاک... (نام جانباخته)قهرمان است، شهید کوردستان است"، صفوف خود

منابع:

محسنی، محمدرضا. ۱۳۸۶. ژاک لکان، زبان و ناخودآگاه، پژوهش زبانهای خارجی، شماره ۳۸ تابستان. صص ۸۵-۹۸

Freud, Sigmund. The Standard Edition of the Complete Psychological Works of Sigmund Freud. Vol. XIX (۱۹۹۹) James Strachey, Gen. Ed. ISBN ۰-۰۹-۹۲۹۶۲۲-۵ A Critical Dictionary of Rycroft, Charles (۱۹۶۸). Psychoanalysis. Basic Books New Introductory Lectures on Sigmund Freud (۱۹۳۳), pp ۱۰۵-۶

رژیم و قدرت سیاسی، فمینیسم را پدیده‌ای غربی و وارداتی می‌داند که با ارزش‌های ایرانی_اسلامی در تضاد است. این نگاه ابزاری می‌شود برای سرکوب مطالبات برابری‌خواهانه. اما از سویی دیگر هم شاهد این هستیم که بخشی از فعالان مذهبی، روایتی از "فمینیسم اسلامی" ارائه می‌دهند. این رویکرد برای بخشی از این زنان، راهی برای آشتی دادن باورهای دینی با مطالبات برابری‌خواهانه است. اما حقیقتاً این موضوع مطالبات رادیکال و سکولار مساله زنان راحت تأثیر قرار می‌دهد و همچنان از خواسته‌ها و مفهوم بنیادی فمینیسم خارج می‌شود. در بخشی دیگر، به عنوان یک فمینیست کورد، فکر می‌کنم درک جامعه ایران از فمینیسم از شکاف‌های عمیق طبقاتی، ملی، مذهبی و نسلی برخوردار است. در شهرهای بزرگ و در میان طبقه متوسط مرکز، غالباً درکی از فمینیسم وجود دارد که با دغدغه‌های زنان فارس شهری هم‌راستاست. مسائلی چون حجاب اجباری، حق طلاق، حضانت فرزند، و دسترسی به مشاغل سطح بالا. من این دغدغه‌ها را کاملاً درک می‌کنم و این هم بخشی از مسائل من است. اما می‌بینم که این روایت، اغلب صداها و تجربیات زنان ملت‌های تحت‌ستم از جمله ما زنان کورد را به حاشیه می‌راند. در کوردستان فمینیسم اغلب با مبارزات هویتی و فرهنگی پیوند دارد. در اینجا زنان کورد با لایه‌های مضاعفی از تبعیض مواجهیم. پس زمانی که از حقوق زنان در ایران صحبت می‌کنیم، نمی‌توانیم از مسئله هویت‌های ملی و حاشیه رانده شده جدا کنیم. فمینیسم برای ما صرفاً یک بحث نظری نیست، بلکه مبارزه‌ای روزمره برای بقا و کرامت انسانی است. همچنین و در همین راستا من شکاف نسلی عمیقی در درک فمینیسم می‌بینم. نسل جوان که با اینترنت و شبکه‌های اجتماعی بزرگ شده، درکی عمیق تر از فمینیسم دارد و آن را با تجربیات بومی خود تلفیق می‌کند. زنان کورد برخاسته نشان می‌دهد چگونه مفاهیم فمینیستی می‌توانند از حاشیه به متن حرکت کنند و الهام‌بخش جنبشی سراسری شوند.

خانم محمدی خیلی ممنون از اینکه برای این مصاحبه وقت گذاشتید

خواهش می‌کنم.

مانند "شهید نمی میرد، کوردستان کوردستان گورستان فاشیست‌ها، تا یک کورد بماند، کوردستان هم خواهد ماند، و با شعار "کاک... (نام جانباخته)قهرمان است، شهید کوردستان است"، صفوف خود

شد و مرگ ژینای ما(کردها) باز قتل شد و ژینای دیگر استعاره‌ای نمادین از خواسته‌های دمکراتیک جامعه و احزاب سیاسی کردها بود که نه تنها نادیده گرفته شد بلکه مورد هدف قرار گرفت و حاکمیت سیاسی هم از فرصت پیش آمده استفاده کرد و به احزاب سیاسی کرد ساکن در اقلیم کوردستان عراق با موشک و پهپادهای انتحاری چندین بار حمله کرد که پس از آن نیز اغلب جریانهای سراسری ایرانی هیچ واکنشی به این حملات نداشتند و سبب پیدایش این دست شعارها در کف خیابان شد. این واکنش جمعی جامعه در بین خانواده‌های جانباختگان خیزش نیز به صورت ناخودآگاه بازتولید شد و شعارهایی

شعارهای مانند "کردستان کوردستان چشم و چراغ ایران"، "از کوردستان تا تهران جانم فدای ایران"، "کرد، بلوچ، آذری، آزادی و برابری" توسط جامعه مدنی ایران؛ پس از اقدامات و روایت‌های جریان‌های ایران‌گرای داخلی و خارجی و اقدامات ضد حقوق ملیت‌ها، ذهن ناخودآگاه جامعه کوردی به این ضدیت و تناقض در گفتمان مرکزگراها واکنش نشان داد و با شعار "داگیرک‌هری ئیرانی تو قاتلی ژینامانی"(اشغال گر ایران تو قاتل ژینای ما هستی) خروشی ملی را به جامعه و طبقه خاکستری کوردستان القا کرد. در این شعار دو ژینا وجود دارند، یک ژینا که توسط مرکز، رسانه‌ها و جریان‌های افراطی ایرانی به مهسا تبدیل

معنا می‌بخشند و به آن‌ها کمک می‌کنند تا به اهداف خود دست یابند.

نکته دیگر در ارتباط با جنبه‌های مختلف شعار و نقش آن در خواسته‌ها و مطالبات جمعی در کوردستان به چند شعار مهم و فراگیر در خیابان‌های کوردستان برمی‌گردد، بخشی از این جریان پس از نقش رسانه‌های مرکزگرا در شکل‌دهی افکار عمومی برای ایده‌ای خاص، سانسور سیستماتیک فعالیت‌های ملل مختلف ایران و تبلیغ برای بازگشت به گذشته سیاسی و پذیرش رهبری فردی و ساختن روایتی منسوخ برمی‌گردد. شنیده نشدن

دلخوشی به نامه شیطان بزرگ!



رضا دانشجو

قهرمانانه» و به نوعی مذاکره با غرب و آمریکا را علنی کرد. حالا سالها بعد از آن اتفاق رژیم در بدترین شرایط سیاسی اجتماعی خود چشم امید به مذاکراتی جدید با ایالات متحده آمریکا دارد. سخنان علی خامنه‌ای درباره نامه ارسالی دونالد ترامپ به او اینبار کاملا متفاوت‌تر از گذشته بود. خامنه‌ای می‌گوید دولت آمریکا می‌خواهد چنان نشان دهد که ما اهل مذاکره نیستیم! در واقع خامنه‌ای که سالها مذاکره با غرب و آمریکا را نامشروع، بی سرانجام و بیهوده می‌دانست اینک چاره‌ای جز دل بستن به این مذاکرات ندارد. آری! که ولی امر خودخوانده مسلمان جهان!! که سالها از آمریکا به عنوان شیطان بزرگ یاد می‌کرد حالا دلخوش به نامه همان شیطان است تا شاید در سرنوشت شوم او و حکومتش تغییری حاصل کند! حالا دریافت نامه شیطان بزرگ بهترین خبر برای دیکتاتور پیر است!

اما آنچه خامنه‌ای نمی‌داند این است که نه شرق و نه غرب برای رهایی او از باتلاقی که گرفتار شده است کاری نمی‌توانند انجام دهند سرنوشت خامنه‌ای و حکومت نامشروع او در دست مردم انقلابی است که به دنبال فرصتی هستند تا پایان او و نظام جمهوری اسلامی را رقم بزنند!

سیاست‌های خصمانه خود در خاورمیانه هیچ دوستی ندارد بسیار کوشیده است تا از طریق نیروهای نیابتی و مزدوران منطقه‌ای بتواند جای پای خود در منطقه پیدا کند، اما بعد از حملات مرگبار اسرائیل به این گروهها و حذف دومین‌هوار سران آنها، اینک وضعیت این نیروها هم بسیار وخیم‌تر از آن است که بتوانند برای رژیم حاکم بر تهران کاری بکنند.

چشم به راه نامه شیطان!

اوضاع جمهوری اسلامی در سال‌های اخیر و رفتارهای علی خامنه‌ای نشان داده که جمهوری اسلامی دیگر حتی در سخن هم قادر به حفظ آن شعارهای دهن پرکن نیست شعارهایی که در ابتدای استقرار این نظام و با عنوان «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی» حداقل در ظاهر خبر از عدم وابستگی به قدرت‌های جهانی و داشتن یک سیاست مستقل می‌داد اینک جایگاهی در جمهوری اسلامی ندارد! شعاری که در دوران خمینی حداقل در ظاهر حفظ شد اما در دوران زمامداری علی خامنه‌ای و بواسطه ارتباط بسیار نزدیک رژیم با بلوک شرق سابق یعنی چین و روسیه و تبعیت محض رژیم از آنها کلا نادیده گرفته شد. سکانس جدید این نمایش مسخره چند سال پیش شروع شد درست زمانی که خامنه‌ای اینبار برای فرار از بحران خبر از «نرمش

به منافع سرداران رژیم برای همیشه پنهان می‌مانند. حالا دیگر سیستم دچار چنان فساد شده است که در حال خوردن لایه‌های داخلی خود است سرطانی به تمام معنا که در حال میتلا کردن اندک اعضای سالم باقی مانده این اقتصاد مفلوک هستند!

انزوای بین‌المللی

سیاست‌های خصمانه جمهوری اسلامی علیه کشورهای مختلف جهان باعث ایجاد یک جو بی اعتمادی کلی علیه رژیم ولایت فقیه شده است. اینک تعداد دوستان جمهوری اسلامی در جهان و منطقه به تعداد انگشتان یک دست هم نمی‌رسد. نباید فراموش کرد اندک دوستان باقی مانده جمهوری اسلامی هم نشان داده‌اند که در هنگام تنگناها و مشکلات حاضر نیستند خود را به خاطر حفظ جمهوری اسلامی به خطر بیندازند. در واقع نگاه این کشور به رژیم ولایت فقیه نه به عنوان یک دوست بلکه به عنوان یک دولت دست نشانده و تابع است که مجبور به پیروی و اطاعت از ارباب است! سیاست‌های جمهوری اسلامی مخصوصا در برابر روسیه به عنوان مثال هیچ نشانی از استقلال رای و عزت نفس مسئولان جمهوری اسلامی درباره تحولات مختلف ندارد و رژیم فقط در حال تکرار گفته‌های سران کرملین است!

جمهوری اسلامی که به مدد

می‌شود. شرایطی که روز به روز بدتر می‌شوند!

فروپاشی اقتصادی

عبور یورو از مرز صد هزار تومان به خوبی نشان داد این اقتصاد مفلوک دارد آخرین نفسهایش را می‌کشد و هیچ نوسداری هم دیگر قادر به نجات آن نیست. جمهوری اسلامی سالهاست در ورطه یک ورشستگی تمام عیار افتاده است که صرفا به خاطر بعضی مسائل سیاسی از بیان آن خودداری می‌شود. تحریم‌های بین‌المللی هر تلاشی را برای احیای این اقتصاد در حال احتزاز به سمت ناکامی می‌برد. هرچند جمهوری اسلامی از طریق یک شبکه پیچیده قاچاق مافیایی سعی در دورزدن تحریم کرده است اما نباید فراموش کرد که همه این اقدامات بسیار هزینه بردار و در بیشتر اوقات با ناکامی روبرو بوده است یا به عنوان مثال جمهوری اسلامی را وادار کرده که چوب حراج به دارایی‌های ایران بزند. شاید نمونه واضح آن تبادل نفت با کالاهای بی ارزش توسط بعضی‌ها از قدرت جهانی و منطقه‌ای است. از طرفی دیگر فساد سیستماتیک تار و پود این اقتصاد بیمار را درنوریده است. روزی نیست که خبر یک اختلاس، یک کلاهبرداری چند هزار میلیاردی رسانه‌ای نشود! قابل توجه اینکه، اینها صرفا مواردی هستند که رسانه‌های می‌شوند و صدها مورد دیگر بنا

ممنوعیت شرکت حسن کاکایی هنرمند کورد در مراسمات نوروز

نوروزی روستای "آلیکند" از توابع بوکان و اجرای سرود حماسی "ته‌ی وه‌ته‌ن" که به‌طور گسترده در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد، توسط نیروهای امنیتی رژیم در بوکان بازداشت شده بود.

تهدید شده که نه‌تنها اجازه شرکت در مراسمات نوروز را ندارد، بلکه حتی خروج از خانه و تماشای مراسم نوروز نیز برای او ممنوع شده است. حسن کاکایی سال گذشته نیز به دلیل شرکت در مراسم

توسط اطلاعات بوکان احضار شده و پس از مدتی بازداشت در شرایط نامشخص، سرانجام روز ۲۳ اسفند مورد بازجویی قرار گرفته است. در این بازجویی، ضمن اخذ تعهدات اجباری، نامبرده به‌شدت

در روزهای اخیر، اداره اطلاعات بوکان، حسن کاکایی، هنرمند و خواننده مردمی کورد را چندین بار احضار کرده و او را تهدید کرده‌اند که حق شرکت در هیچ یک از مراسمات نوروزی را ندارد. این هنرمند مردمی در روزهای گذشته بارها

